

به نام خدای مهربان

طراحی شده
ویژه امتحان
نهایی ۱۴۰۳

بانک سؤالات امتحانی

پایه دهم

رشته تجربی و ریاضی

مجموعه کتاب‌های
پرسوال

عربی ۱

با خیال راحت (۲۰) شو!

• وهاب اصغری

• ناظر محتوایی: مهران ترکمان


هومان


مهروماه

الدُّرْسُ الْأَوَّلُ:



ذاک هو الله (مرور قواعد متوسطة اول)

درس‌نامه	۶
لغات	۱۴
سؤالات امتحانی	۱۵
پاسخ‌نامه	۹۲

الدُّرْسُ الثَّانِي:



المواعظ العددية (انواع عدد و معدود)

درس‌نامه	۲۰
لغات	۲۲
سؤالات امتحانی	۲۴
پاسخ‌نامه	۹۳

الدُّرْسُ الثَّلَاث:



مطر السمک (اشکال افعال ۱)

درس‌نامه	۲۸
لغات	۲۹
سؤالات امتحانی	۳۱
پاسخ‌نامه	۹۴

الدُّرْسُ الرَّابِع:



التعاليش السلمي (اشکال افعال ۲)

درس‌نامه	۳۵
لغات	۳۶
سؤالات امتحانی	۳۸
پاسخ‌نامه	۹۵

الدُّرْسُ الْخَامِس:



هذا خلق الله (جملة فعلية و جملة اسمية)

درس‌نامه	۴۲
لغات	۴۵
سؤالات امتحانی	۴۷
پاسخ‌نامه	۹۷

الدُّرْسُ السَّادِس:



ذو القرنين (فعل مجهول)

درس‌نامه	۵۱
لغات	۵۲
سؤالات امتحانی	۵۴
پاسخ‌نامه	۹۸

الدُّرْسُ السَّابِع:



يا من في البحار عجائبه (جارومجرور و نون وقایه)

درس‌نامه	۵۹
لغات	۶۱
سؤالات امتحانی	۶۲
پاسخ‌نامه	۹۹

الدُّرْسُ الثَّمَان:



صناعة التلميع في الأدب الفارسی (اسم فاعل...)

درس‌نامه	۶۸
لغات	۶۹
سؤالات امتحانی	۷۱
پاسخ‌نامه	۱۰۱



آزمون‌های نوبت اول	۷۶
آزمون‌های نوبت دوم (شبه‌ساز نهایی)	۸۲
پاسخ‌نامه	۱۰۲



درسنامه قواعد درس سوم

اشکال الأفعال (۱)

معمولاً برای تشخیص این دو نوع فعل، از سؤال (چه چیز را؟) و (چه کسی را؟) استفاده می‌کنیم.

■ **اشکال افعال:** در زبان عربی، فعل‌ها بر اساس تعداد حروف اولین صیغه ماضی (صیغه اول ماضی = للغایب = سوم شخص مفرد)، به دو دسته مجرد و مزید تقسیم می‌شوند که افعال مزید آهنگ و وزن ثابت و قابلیت حفظ کردن دارند.

بررسی فعل از نظر تعداد حروف اولین صیغه ماضی

① **ثلاثی مجرد:** سه حرف دارد و حرف زائد ندارد.

مثال: حَرَجَ، عَلِمَ، كَتَبَ و ...

② **ثلاثی مزید:** علاوه بر سه حرف اصلی، ۱ یا چند حروف زائد دارد.

مثال: اسْتَخْرَجَ، اجْتَمَعَ، كَاتَبَ و ...

■ **نکته:** افعال ثلاثی مزید دارای ۸ سری وزن مشخص هستند که به هر سری از آن‌ها یک باب گفته می‌شود، که در درس‌های ۳ (این درس) و ۴ دهم با آن‌ها آشنا می‌شویم و حفظ کردن این وزن‌های فعلی و تعداد حروف زائدشان بسیار مهم است. (در جدول زیر باب‌های ثلاثی مزید را می‌خوانیم)

حروف زائد	تعداد حروف زائد	مثال	کاربرد	مصدر (باب)	اولین امر	اولین مضارع	اولین ماضی
الف (همزه) / س / ت	۳	عَفَرَ (مجرد): آمرزید اسْتَعْفَرَ: طلب آمرزش کرد	بیان درخواست و طلب	اسْتِعْفَال	اسْتَعْفِلْ	يَسْتَعْفِلُ	اسْتَعْفَلَ
الف (همزه) / ت	۲	جَمَعَ (مجرد): جمع کرد اجْتَمَعَ: جمع شد	معمولاً (بی مفعول)	اِفْتِعَال	اِفْتَعِلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعَلَ
الف (همزه) / ان	۲	كَسَرَ (مجرد): شکست انْكَسَرَ: شکسته شد	حتماً (بی مفعول)	اِنْفِعَال	اِنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعَلَ
ت / تشدید (تکرار عین الفعل)	۲	عَلِمَ (مجرد): دانست تَعَلَّمَ: یاد گرفت	معمولاً (بی مفعول)	تَفَعَّل	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ

باب‌های مزید می‌روند. بلکه افعال مزید، معنای متفاوتی نسبت به افعال مجرد دارند.

مثال: حَرَجَ (خارج شد) ← استخْرَجَ (استخراج کرد)

• حَرَجَ (خارج شد) ← تَخَرَّجَ (فارغ‌التحصیل شد)

• نَشَرَ (پخش شد) ← اِنْتَشَرَ (پخش کرد)

• جَمَعَ (منجمد کرد) ← اِنْجَمَدَ (منجمد شد)

■ **مشاوره:** در درس‌های ۳ و ۴ با مبحث اشکال افعال آشنا می‌شویم. البته من نمی‌دونم چرا اسم این درس رو گذاشتن «اشکال افعال»؟! بهتر بود از همون اول اسمشو می‌ذاشتن «ثلاثی مزید» چونم براتون بگه که مهم‌ترین کاری که توی این دو تا درس دارید وزن‌شناسی و حفظ کردن جدول باب‌هاست. این دو تا کار رو بلد باشین، بقیه کارها حل‌ها قبل از ورود به مبحث اصلی درس، بهتر است با مفاهیم فعل بی مفعول و فعل مفعول‌پذیر آشنا بشیم.

■ **فعل بی مفعول (لازم):** فعلی است که به مفعول نیاز ندارد.

مثال: جَلَسَتْ فاطمة على الكرسي. (فاطمه روی صندلی نشست.)

(مفعول همان کسی یا چیزی است که کار روی آن انجام می‌شود.)

• علی کتاب را آورد. / ماشین‌ها را در خیابان دیدیم.

■ **فعل مفعول‌پذیر (متعدی):** فعلی است که به مفعول نیاز دارد.

مثال: كَتَبْتُ الأمّ الرسالة. (مادر نامه را نوشت.)

■ **تشخیص حروف زائد:** حروف زائد هر باب، بر اساس حروف اولین صیغه ماضی و تعداد آن مشخص می‌شود.

[تعداد حروف زائد = ۳ - (منهای) تعداد حروف اولین صیغه ماضی]

■ **یک سؤال مهم:** آقا همون فعل‌های ثلاثی مجرد کافی نبودن؟ دلیل وجود فعل‌های ثلاثی مزید چیه؟

حتماً با توجه به مثال‌های جدول قبل، متوجه شده‌اید که کاربرد باب‌های ثلاثی مزید چیست و اصولاً فعل‌های مجرد چرا به

• **گام چهارم:** حالا با یافتن وزن فعل، بابش به راحتی مشخص می‌شود.
مثال: تَتَكَلَّمُونَ ← تَتَكَلَّمُ ← يَتَكَلَّمُ (ریشه: ک ل م) ← يَتَفَعَّلُ ← تَفَعَّلُ
 • تَنْتَشِرُونَ ← تَنْتَشِرُ ← يَنْتَشِرُ (ریشه: ن ش ر) ← يَفْتَعِلُ ← اِفْتَعَلَ
 • اِنْقَلَبْنَ ← اِنْقَلَبَ (امر) ← اِنْقَلَبَ (ریشه: ق ل ب) ← لِنَفَعَلْ ← اِنْفَعَلْ

• **تذکره:** دقت کنید که در باب تَفَعَّلُ، صیغه‌های (۲، ۳ و ۶) ماضی و امر کاملاً شبیه هم هستند و برای تشخیص‌شان باید به جمله نگاه کنیم:
 هما (ماضی: صحبت کردند) → تَكَلَّمَا ← أَنْتَمَا (امر: صحبت کنید)
 هُم (ماضی: دانش آموختند) → تَفَقَّهُوا ← أَنْتُمْ (امر: دانش بیاموزید)
 هُنَّ (ماضی: گرمی داشتند) → تَكْرَمْنَ ← أَنْتُنَّ (امر: گرمی بدارید)

• **نکته:** اگر بین دو باب «اِفْتَعَلَ» و «اِنْفَعَلَ» شک کردیم از قانون [۳ و ۲] انت [اِفْتَعَلَ] استفاده می‌کنیم. به این شکل که اگر حرف دوم و سوم کلمه مورد نظر «ن» و «ت» بود، باب اِفْتَعَلَ است وگرنه اِنْفَعَلَ است.

• **مثال:** اِنْتِشَارُ / اِنْتِظَامُ / اِنْتِقَامُ / اِنْتِقَالُ / اِنْتِخَابُ / اِنْتِفَاعُ ← باب اِفْتَعَلَ
 • اِنْكَسَارُ / اِنْفِتَاحُ / اِنْشِرَاحُ / اِنْقِلَابُ / اِنْقِطَاعُ / اِنْفِجَارُ ← باب اِنْفَعَلَ
 ۲ در شک بین باب اِفْتَعَلَ و اِسْتَفْعَلَ، دقت کنید که صیغه اول ماضی باب اِفْتَعَلَ پنج حرف دارد ولی صیغه اول ماضی باب اِسْتَفْعَلَ شش حرف دارد.
مثال: اِسْتَمَعَ (پنج حرف) ← اِفْتَعَلَ / اِسْتَمَرَّ (شش حرف) ← اِسْتَفْعَلَ
 ۳ از دیگر معانی باب اِسْتَفْعَلَ، «شمردن چیزی یا کسی است»
مثال: اِسْتَحْفَرَّ (کوچک شمرد) / اِسْتَصْفَرَ (کوچک شمرد) / اِسْتَكْبَرَ (بزرگ پنداشت)
 ۴ با دیدن ساختار [يَتَ ، تَتَ ، اَتَ ، نَتَ + تشدید] مطمئن می‌شویم که فعل از باب «تَفَعَّلُ» است. **مثال:** يَتَوَقَّفُ / تَتَعَرَّضُ / تَتَجَمَّدُ
 ۵ ابتدای فعل امر باب «تَفَعَّلُ»، الف یا همزه نمی‌گیرد.

• **تذکره:** باید بدانیم که منظور از اولین صیغه ماضی یا اولین صیغه مضارع، یعنی اینکه هر کدام از این افعال در ۱۴ صیغه صرف می‌شوند. نترسید! اگر صرف فعل ماضی و مضارع رو بلد باشید، این افعال هم با همان الگوها صرف می‌شوند.

به صرف یک نمونه فعل ماضی مزید از باب اِسْتَفْعَلَ دقت کنید:
 (۱) اِسْتَفْرَجَ / (۲) اِسْتَفْرَجَا / (۳) اِسْتَفْرَجُوا / (۴) اِسْتَفْرَجْتُمْ / (۵) اِسْتَفْرَجْتُمْ / (۶) اِسْتَفْرَجْنَا / (۷) اِسْتَفْرَجْتُمْ / (۸) اِسْتَفْرَجْتُمْ / (۹) اِسْتَفْرَجْتُمْ / (۱۰) اِسْتَفْرَجْتُمْ / (۱۱) اِسْتَفْرَجْتُمْ / (۱۲) اِسْتَفْرَجْتُمْ / (۱۳) اِسْتَفْرَجْتُمْ / (۱۴) اِسْتَفْرَجْتُمْ

به صرف یک نمونه فعل مضارع از باب «تَفَعَّلُ» دقت کنید:
 (۱) يَتَعَلَّمُ / (۲) يَتَعَلَّمَانِ / (۳) يَتَعَلَّمُونَ / (۴) تَتَعَلَّمُ / (۵) تَتَعَلَّمَانِ / (۶) يَتَعَلَّمْنَ / (۷) تَتَعَلَّمُ / (۸) تَتَعَلَّمَانِ / (۹) تَتَعَلَّمُونَ / (۱۰) تَتَعَلَّمِينَ / (۱۱) تَتَعَلَّمَانِ / (۱۲) تَتَعَلَّمْنَ / (۱۳) اَتَعَلَّمُ / (۱۴) تَتَعَلَّمُ

و به صرف یک نمونه فعل امر مزید از باب «اِفْتَعَلَ» دقت کنید:
 (۱) اِشْتَرِكْ - (۲) اِشْتَرِكَا - (۳) اِشْتَرِكُوا - (۴) اِشْتَرِكِي - (۵) اِشْتَرِكَا - (۶) اِشْتَرِكْنَ

روش تشخیص باب‌های ثلاثی مزید

یکی از چالش‌هایی که در این درس مطرح می‌شود، تشخیص باب کلمات است که روش آن را به‌طور کامل در اینجا برایتان توضیح می‌دهیم:

- **گام اول:** ابتدا حروف قبل و ضمائر انتهای فعل (پس از ریشه) را حذف می‌کنیم (لا، قد، سا، ان، و، ن، ی، ن، ثما، ثم و ...)
- **گام دوم:** اگر ماضی بود به آخر آن و اگر مضارع بود به آخر آن ُ اضافه می‌کنیم و اگر امر و نهی بود ساکن می‌گذاریم.
- **گام سوم:** فعل باقی‌مانده را به صیغه اول می‌بریم.

لغات

ظنّ: گمان کرد	تَفْتِيش: بازرسی	اِبْحَثْ عَن: جست‌وجو کن
عَبَّرَ: از راه، از طریق	تَنَاوَل: خوردن	أَنَارَ: برانگیخت
عَن: درباره، از	تَلَجَّ: برف، یخ «جمع: تُلُوج»	اِحْتَفَلَ: جشن
عَرِيب: عجیب	جَاهِز: جاهز، آماده	اِحْتَفَلْ: جشن گرفت
فَقَدَ: از دست داد	جَوَازَات (جَوَازُ السَّفَرِ): گذرنامه‌ها «مفرد: جَوَاز»	أَخَذَ: گرفت، برداشت، بُرد
قَصِير: کوتاه	جَيِّدًا: خوب، به خوبی	أَذْع (دَعَا): بخوان، دعوت کن
لَاخِظَ: ملاحظه کرد	حَاوَلْ: تلاش کرد	أَرْسَلْ: فرستاد
مَائِتَيْنِ، مَائِتِينَ: دویست	خَدَّتْ: اتفاق افتاد	أَزْهَار: شکوفه‌ها، گل‌ها «مفرد: زَهْرَةٌ»
مُجَفِّفَةٌ: خشک شده	خَسَنًا: بسیار خوب	اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست
المُحِيطُ الأَطْلَسِي: اقیانوس اطلس	خَيَّرَ: حیران کرد	أَسْمَاك: ماهی‌ها «مفرد: سَمَك»
مُرَافِق: همراه	زَجَاءً: لطفاً	أَصْبَحَ: شد، گشت
مَرَّتَيْنِ: دو بار	زَوْج: رحمت	إِعْصَار: گردباد «جمع: أعاصير»
مَرْحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید، درود بر شما	رِيَّاح: باده‌ها «مفرد: رِيح»	أَفْلام: فیلم‌ها «مفرد: فِلم»
مِشْمَش: زردآلو	سَخَبَ: کشید	أَمْرِيكَا الوُسْطَى: آمریکای مرکزی
مَقْطَرُ السَّمَك: باران ماهی	سَقَى: نامید	أَمْطَرَ: باران بارید
مَفْرُوش: پوشیده، فرش شده	سَنَوَ: سالانه	اِنْتَبَهَ: بیدار شد، متوجه شد، آگاه شد
مُمْتَدَّ: ادامه‌دار، پیوسته	سَوَدَاء: سیاه «مؤنث: أَسْوَد»	بَسَطَ: گستراند
مِهْرَجَان: جشنواره	سُرْطِي: پلیس	بِطَاقَةٌ: بلیت، کارت
مِيَاه: آب‌ها «مفرد: ماء»	شَرَفَ: مشرف فرمود، افتخار داد	بَعَدَ: دور شد
نُزُول: پایین آمدن، بارش	صَدَّقَ: باور کرد	بَهَائِم: چارپایان «مفرد: بَهيمَةٌ»
نِيَام: خفتگان	ضَوْر: عکس‌ها، تصاویر «مفرد: صَوْرَةٌ»	تَرَى (رَأَى): می‌بینی
وَسْع: توانایی	ظَلَبَخ: پُختن	تَسَاقَطَ: پی‌درپی افتاد
	ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظَوَاهِر»	تَعَرَّفَ عَلَيَّ...: شناختن...

واژه‌های مترادف

• عظیم = کبیر (بزرگ)	• حسناً = جیداً (بسیار خوب)	• تَرَى = تُشَاهِدُ (می‌بینی / می‌بیند)
• مکان = محلّ (جا)	• خفلة = مهرجان (جشن)	• تُصْبِحُ = تُصْبِرُ (می‌شود / می‌شوی)
• وُسع = قُدرة (توانایی)	• خَيْرٌ = أَعْجَبُ (به تعجب انداخت)	• تَقْنُ = تَحْسَبُ (گمان می‌کنی / گمان می‌کند)
• يَنْشِطُ = يَنْشُرُ (می‌گستراند)	• سَقَطَ = وَقَعَ (افتاد)	• تَكَلَّمَ = تَحَدَّثَ (صحبت کرد)
• يُرْسِلُ = يَبْعَثُ (می‌فرستد)	• سنوات = أَعوام (سال‌ها)	• تَتَاوَلُ = أَكَلَ (خوردن)
		• حَاوَلَ = سَعَى (تلاش کرد)

واژه‌های متضاد

• نُزُولُ (پایین آمدن) ≠ ضُعُودُ (بالا رفتن)	• حَقِيقِي (حقیقی) ≠ خِيَالِي (خیالی)	• أَجَابَ (پاسخ داد) ≠ سَأَلَ (پرسید)
• يَأْسُ (ناامیدی) ≠ زَجَاءُ (امیدواری)	• سَوْدَاءُ (سیاه) ≠ بِيضَاءُ (سفید)	• إِنْقَطَعَ (قطع شد) ≠ اِتَّصَلَ (وصل شد)
• تَفْقِهُ (از دست می‌دهد) ≠ يَكْسِبُ (به دست می‌آورد)	• طَوِيلٌ (بلند) ≠ قَصِيرٌ (کوتاه)	• بَعِيدٌ (دور) ≠ قَرِيبٌ (نزدیک)
	• لَهَا (به سود او) ≠ عَلَيْهَا (ضد او)	• تُصَدِّقُ (باور می‌کنی) ≠ تُكْذِبُ (دروغ می‌پنداری)

جمع‌های مکسر

مصادر ← مصدر (محل صدور، منبع)	أزهار ← زهر (شکوفه)	أعاصير ← إعصار (گردباد)
أمطار ← مطر (باران)	أسماك ← سمك (ماهی)	الأهالي ← الأهل (ساکن)
نيام ← نائم (خوابیده)	صُور ← صورة (تصویر)	بِقَاع ← بُقْعَة (زمین)
أنوار ← نور (نور)	طَلَاب ← طالب، طَلَبَة (دانش آموز، دانشجو)	بِهَائِم ← بهيمة (چاربا)
أنواع ← نوع (جنس)	ظواهر ← ظاهرة (پدیده)	تُلُوج ← تلج (برف)
وجوه ← وجه (چهره)	علماء ← عالم (دانشمند)	جبال ← جبل (کوه)
أولياء ← ولي (دوست‌دار)	أفلام ← فلم (فیلم)	ذنوب ← ذنب (گناه)
الأيدي ← اليد (دست)	مياه ← ماء (آب)	رياح ← ریح (باد)

جملات و اصطلاحات مهم کتاب درسی

- «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَنِّي زُجَاباً فَتَيْسُطُّهُ فِي السَّمَاءِ...»: خدا همان کسی است که بلاها را می‌فرستد و (بلاها) ابری را برمی‌انگیزند و (خدا) آن را در آسمان می‌گستراند.
- هل تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟: آیا باور می‌کنی که در روزی از روزها ماهی‌هایی را ببینی که از آسمان پی‌درپی می‌افتند؟!
- يلاحظ الناس غيمة سوداء ورياحاً قوتية ثم تُصبح الأرض مفروشة بالأسماك: مردم ابری سیاه و بادهای قدرتمندی را ملاحظه می‌کنند سپس زمین از ماهی‌ها پوشیده می‌شود.
- أرسلوا فريقاً للتعرف على الأسماك التي تتساقط على الأرض: تیمی را برای شناختن ماهی‌هایی که پی‌درپی بر زمین می‌افتند، فرستادند.
- ما ينس العلماء من معرفة سر تلك الظاهرة العجيبة: دانشمندان از شناخت راز آن پدیدهٔ عجیب ناامید نشدند.
- مرحباً بكم. شرفتمونا: خوش آمدید. ما را مشرف فرمودید.
- «فاستغفروا لذنوبهم و من يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ»: پس برای گناهانشان طلب آمرزش کردند و چه کسی جز خداوند گناهان را می‌بخشد؟
- «فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»: پس بگو غیب فقط برای خداست پس منتظر باشید. به درستی که من همراه شما از منتظران هستم.
- الناس نيام: فإذا ماتوا انتبهوا: مردم خفتگان اند (خوابند)، پس هرگاه بمیرند، بیدار شوند. (بیدار می‌شوند)
- «فاصبر إن وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ»: پس صبر کن به درستی که وعدهٔ خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه.
- كان صديقي ينتظر والده للرجوع إلى البيت: دوستم برای برگشتن به خانه انتظار پدرش را می‌کشید.
- «لَا يَنَاشُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»: جز گروه کافر کسی از رحمت خدا ناامید نمی‌شود. / فقط گروه کافر از رحمت خدا ناامید می‌شود.
- «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»: با دانش و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به شیوه‌ای که بهتر است، گفت‌وگو کن.
- «فَادْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ وَاشْكُرُوا لِي»: پس مرا یاد کنید: تا شما را یاد کنم و مرا شکر کنید.
- «لَا يَكْتَلِفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا»: خدا به کسی جز به اندازهٔ توانش تکلیف نمی‌دهد.
- «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ»: آن چه [از خوبی‌ها] کسب کرده، به سودش است و آن چه [از بدی‌ها] کسب کرده، به زیانش است.

سؤالات امتحان

لغات

١) ترجم الكلمات التي تحتملها خط:

٣٥٨. فُتِّمِرَ الرِّيحُ سَحَابًا.

٣٥٩. هل تُصَدِّقُ كلامي؟

٣٦٠. لَيْسَ هَذَا فِلْمًا خِيَالِيًّا.

٣٦١. حَسَنًا فَانظُرِي إِلَيَّ.

٣٦٢. السَّمَاءُ تُمَطِرُ ثُلُجًا.

٣٦٣. يَخْدُتُ مَطَرُ السَّمَكِ أَيْضًا.

٣٦٤. نُشَاهِدُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ.

٣٦٥. أَرْسَلُو فَرِيقًا هُنَا.

٢) أكتب مفرد أو جمع الكلمات التالية:

٣٧٣. قِصَّة:

٣٧٤. كُتِبَ:

٣٧٥. الْقَوْمُ:

٣٧٦. سُئِلَ:

٣٧٧. حِكْمَةٌ:

٣٧٨. الْمَوْعِظَةُ:

٣٧٩. نُفُوسُ:

٣) عيّن الضّحيح في المفرد أو الجمع:

٣٨٦. جمع «حَفَلَةٌ»:

٣٨٧. مفرد «الصفوف»:

٣٨٨. جمع «اللَّيْلِ»:

٣٨٩. مفرد «الأموات»:

٣٩٠. مفرد «الطلّاب»:

٣٩١. جمع «عَيْن»:

٣٩٢. مفرد «الأعْيُن»:

٣٩٣. مفرد «البِقَاع»:

٣٩٤. جمع «البهيمّة»:

٣٩٥. مفرد «غُيُوب»:

٣٩٦. جمع «ذُنُب»:

٣٩٧. مفرد «المَصَادِر»:

٣٩٨. مفرد «الأسماك»:

٣٩٩. جمع «سَنَةٌ»:

٤٠٠. مفرد «تُلُوج»:

٤٠١. جمع «ظَاهِرَةٌ»:

٤٠٢. مفرد «الأفلام»:

٣٦٦. الأسماكُ في المياهِ المجاوزة.

٣٦٧. يَغْتَبِرُ إعصارٌ شديدٌ.

٣٦٨. نَبْتَعِدُ مَسَافَةً مِثْلَى كيلومتر.

٣٦٩. اِتَّبِعُوا عَنِ الكَسَلِ.

٣٧٠. كَمْ عَدَدُ المُرَافِقِينَ؟

٣٧١. نحنُ جاهزونُ.

٣٧٢. أَحِبُّ مَهْرَجَانَ الأزهارِ.

٣٨٠. زُملاء:

٣٨١. رسائل:

٣٨٢. الصّديق:

٣٨٣. البيت:

٣٨٤. الحقوق:

٣٨٥. نيام:

(ب) محافل

(ب) صف

(ب) الليالي

(ب) مات

(ب) الطالب

(ب) معين

(ب) المعنى

(ب) البقعة

(ب) البهائم

(ب) غيب

(ب) ذنوب

(ب) التصدير

(ب) السمكة

(ب) سنة

(ب) ثليج

(ب) ظواهر

(ب) فلم

(الف) حفلات

(الف) صفة

(الف) الليول

(الف) مَيّت

(الف) الطالب

(الف) عُيون

(الف) العَيْن

(الف) البَقَعَة

(الف) البهائم

(الف) غيب

(الف) أذنان

(الف) المَصْدَر

(الف) السمك

(الف) بسنين

(الف) ثلج

(الف) تظاهر

(الف) فيلم

۴ اُكْتُبِ الْمُرَادِفَاتِ وَالْمُضَادَّاتِ (ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةً):

[مِهْرَجَان / سُودَاء / أَضْبَحَ / الرُّوحَ / البَطَاقَةَ / نُزُولَ / الغَيْمِ / تَلْمِيذَ / طَالِبَ / الغَرِيبَ / لِسَانَ / ضُعُودَ / صَارَ / الرُّحْمَةَ / حَفْلَةَ / بِيضَاءَ / الشَّحَابَ]

- ۴۰۳ =
 ۴۰۴ ≠
 ۴۰۵ =
 ۴۰۶ =
 ۴۰۷ ≠
 ۴۰۸ =
 ۴۰۹ =

۵ ضَعِ فِي الْفَرَاغِ عِلَامَةً مُنَاسِبَةً (=، ≠):

- ۴۱۰ أنوار أضواء
 ۴۱۱ سبيل طريق
 ۴۱۲ لها عليها
 ۴۱۳ حق كذب
 ۴۱۴ اليمين اليسار
 ۴۱۵ اليسار الشمال
 ۴۱۶ حقيقة خيالي
 ۴۱۷ السنة العالم

۶ غَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّضَادِّ وَالتَّرَادُفِ:

- ۴۱۸ متضاد «بَسَطَ»:
 ۴۱۹ متضاد «صَدَّقَ»:
 ۴۲۰ مترادف «بَعُدَ»:
 ۴۲۱ مترادف «هل عندكم؟»:
 ۴۲۲ متضاد «مُحَفَّفَةٌ»:
 ۴۲۳ مترادف «عَبْرَ» در جمله «وَرَأَيْنَا الشَّاطِئَ عَبْرَ الطَّرِيقِ»:
 ۴۲۴ مترادف «نَفْسًا»:
 ۴۲۵ مترادف «كِتَابًا»:
 جَمَعَ (الف) ب) شَرَّخَ
 كَذَبَ (الف) ب) كَذَّبَ
 قَرَّبَ (الف) ب) اقْتَرَبَ
 هل لَدَيْكُمْ؟ (الف) ب) أَمِنْتُمْ؟
 رُطُوبَةٌ (الف) ب) مَرطُوب
 الف) في ب) لَهُ
 الف) أَحَدًا ب) شَيْئًا
 الف) مَكْتُوب ب) مَكْتَابَةٌ

۷ غَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى:

- ۴۲۶ مَطَرٌ - مَطَارٌ - أَمَطَارٌ - إِمَطَارٌ:
 ۴۲۷ الْمُحِيطُ - المِيَاهُ - التَّهْرُ - الغَيْمُ:
 ۴۲۸ طَبِيعِيًّا - شَهْرِيًّا - سَنَوِيًّا - يَوْمِيًّا:
 ۴۲۹ الجَوَازَةُ - البَطَاقَةُ - المَطَارُ - المَاطِرَةُ:
 ۴۳۰ مَجَلَّةٌ - مُعْجَمٌ - إِنْتَرْنِتٌ - مِشْمُوشٌ:

ترجمة جملات

۸ تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ وَالْعِبَارَاتِ النَّالِيَةَ:

- ۴۳۱ لا تُصَدِّقْ مَطَرَ السَّمَكِ.
 ۴۳۲ يُمَكِّنُ أَنْ تَرَى ظَاهِرَهُ.
 ۴۳۳ أَظُنُّ أَنْ تُخْرُجَ مِنَ الْعُرْفَةِ.
 ۴۳۴ حَسَنًا، فَأَذْهَبِي هُنَاكَ حَتَّى تُعَلِّمِي.
 ۴۳۵ يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ «مَطَرَ السَّمَكِ».
 ۴۳۶ كَأَنْتِ تُحَيِّرِينَ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ.
 ۴۳۷ عَسَى أَنْ يَخْدُتَ سَنَوِيًّا.
 ۴۳۸ تُضْبِحُ الْأَرْضَ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ بَعْدَهُ.
 ۴۳۹ فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْنِجِهَا وَتَنَاوُلُهَا.
 ۴۴۰ حَاوِلِ الْعُلَمَاءَ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ.
 ۴۴۱ لَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ نَوْعَ الْأَسْمَاكِ.
 ۴۴۲ يَخْدُتُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ.
 ۴۴۳ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.
 ۴۴۴ يَخْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُوْرَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا.
 ۴۴۵ هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟
 ۴۴۶ مَرَاقِبِنَا أَرْبَعَةٌ: وَالِدَايَ وَأَخْتَايَ.



٩ انتخاب الترجمة الصحيحة:

٤٤٧. ولا تياسون من رحمة الله. الف) و از رحمت خدا ناامید نشوید. ب) و از رحمت خدا ناامید نمی شوید.
٤٤٨. جادلهم بالتي هي أحسن. الف) با آنان به روشی که نیکوتر است گفت وگو کن. ب) با نیکوترین روش با ایشان گفت وگو کن.
٤٤٩. فاذكروني أذكركم. الف) پس مرا یاد کنید که من هم شما را یاد می کنم. ب) پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم.
٤٥٠. عليها ما اكتسبت. الف) آن چه کسب کرده به ضررش است. ب) بر او واجب است چیزی که کسب نکرده است.
٤٥١. كان صديقي ينتظر والده. الف) دوستم منتظر پدرش می باشد. ب) دوست من انتظار پدرش را می کشید.
٤٥٢. فإذا ماتوا انتبهوا. الف) هرگاه مردند، بیدار شدند. ب) وقتی بمیرند، بیدار خواهند شد.
٤٥٣. مزحياً بكم. شرفتمونا. الف) خوش آمده و ما را مشرف فرمودید. ب) حالتان چطور است؟! ما را خوشحال کردید.
٤٥٤. تعلموا دروسكم. الف) درس هایتان را آموزش دهید. ب) دروستان را بیاموزید.
٤٥٥. لا تنسجوا عن أداء واجبكم. الف) از انجام تکالیفتان دوری نکنید. ب) از انجام تکلیفتان عقب نشینی نکنید.
٤٥٦. كأن السماء تُمطرُ الأسماك. الف) انگار آسمان، ماهیان را می بارد. ب) گویی این آسمان ماهی هایی را می باراند.

١٠ أكمل الترجمة:

٤٥٧. رجاء إجلن جوازا تكن في أيدكن.
 گذرنامه هایتان را در قرار بدهید (بگیرید).
٤٥٨. تعيش الأسماك في النهر والبحر ولها أنواع مختلفة.
 ماهی ها در و زندگی می کنند و انواع
٤٥٩. واضبر على ما يقولون واهجرهم.
 و بر آن چه می گویند و آن ها را
٤٦٠. فاستغفروا لذنوبهم و من يغفر الذنوب إلا الله.
 پس برای استغفار و چه کسی جز خداوند
٤٦١. أنا و زميلي استلمنا رسائل عبر الإنترنت.
 من و هم کلاسی ام از طریق اینترنت

١١ ترجم الأفعال التالية:

٤٦٢. لا تُصدِّقْ: ٤٦٧. حتى لا تُصدِّقْ:
٤٦٣. ما كان يتساقط: ٤٦٨. سيُشاهدون:
٤٦٤. ما ظن: ٤٦٩. حيرتنا:
٤٦٥. لا يُمكن: ٤٧٠. كانت تُمطر:
٤٦٦. فأنظر: ٤٧١. يُضحك:
٤٧٢. ما أرسلت:
٤٧٣. لا تُشخِّبوا:
٤٧٤. اُخْتَفِلَا:
٤٧٥. يُسْمُون:
٤٧٦. لا تُفقدان:



قواعد

۱۲) مَبْرُؤَاتُ الْأَعْمَالِ الْمَجْرُودَةِ وَالْأَعْمَالِ الْمَزِيدَةِ:

[تَعَرَّفْنَا / يَخْتَفِلُونَ / يَبْعُدُ / حَاوَلْنَا / يُحَدِّثُ / أَنْظَرِي / يَكُونَانِ / تَبْسُطُ]

۴۷۷. ثلاثي مجرد:

۴۷۸. ثلاثي مزيد:

۱۳) أَكْتُبْ مَا طَلِبَ مِنْكَ:

۴۷۹. ضمير «تَرَاخَمْنَا»:

۴۸۰. ضمير «أَنْصَدُّقِي»:

۴۸۱. ضمير «سَتَخْتَفِلِينَ»:

۴۸۲. ضمير «اسْتَمِعْنَا»:

۴۸۳. ضمير «أَسْتَكْبِرُ»:

۴۸۴. ضمير «يَبْتَسِمُنَّ»:

۴۸۵. ضمير «لَا تُنْسَجِبَا»:

۴۸۶. ضمير «تَعَلَّمْتَ»:

۴۸۷. ضمير «يَتَعَجَّبَانِ»:

۴۸۸. ضمير «قَدْ تَسْرَفْتُنَّ»:

۱۴) تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ وَالْأَعْمَالِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ:

۴۸۹. جَلَسَ:

۴۹۰. أَجْلَسْتُ:

۴۹۱. جَالَسْتُ:

۴۹۲. خَرَجَ:

۴۹۳. أَخْرَجْتُمُ:

۴۹۴. نَخَّرَجُ:

۴۹۵. سَتَسْتَخْرِجِينَ:

۴۹۶. قِيلَ:

۴۹۷. أَقْبَلَ:

۱۵) غَيِّنِ الصَّحِيحَ:

۵۱۴. هَلْ أَنْ تَرَى مُهَاجِمًا فِي الْمَرْمِي؟ (تَضُدُّقِي / تُصَادِقِي / تُضَدُّقِي)

۵۱۵. النَّبَاتُ الْأَسْمَاكُ إِلَى السَّمَاءِ. (يَسْحَبُ / يَنْسَجِبُ / تَنْسَجِبُ)

۵۱۶. الطُّلَابُ خُلِقَ مَعْلَمِيهِمْ. (سَيُعَلِّمُ / سَيُعَلِّمُونَ / سَيُعَلِّمُونَ)

۵۱۷. الْمُؤْمِنَاتُ اللَّهُ لِدُنُوبِهِنَّ. (تُغْفِرُنَّ / تَسْتُغْفِرُنَّ / يَسْتُغْفِرُنَّ)

۵۱۸. أَنْ جَمِيعَ الْأَسْمَاكِ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ. (وَجَدُوا / أَوْجَدُوا / أَوْجَدْنَا)

۱۶) غَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ:

۵۱۹. إِخْرَاجٌ - تَعْظِيمٌ - تَوَكُّلٌ - تَعَلُّمٌ:

۵۲۰. يَخْرُجُ - نَخْرُجِينَ - نُخْرِجُونَ - أَخْرَجَ:

۵۲۱. تَعَلَّمَ - يَعْلَمُ - أَنْزَلَ - تَوَكَّلَ:

۵۲۲. انْتِشَارٌ - انْطِبَاقٌ - انْكَسَارٌ - انْشِرَاحٌ:

۵۲۳. اسْتِسْلَامٌ - اسْتِكْبَارٌ - اسْتِعْمَارٌ - اسْتِماعٌ:

ریشه: باب: تعداد حروف زائد:

ریشه: باب: تعداد حروف زائد:

ریشه: باب: تعداد حروف زائد:

ریشه: باب: تعداد حروف زائد:

ریشه: باب: تعداد حروف زائد:

ریشه: باب: تعداد حروف زائد:

ریشه: باب: تعداد حروف زائد:

ریشه: باب: تعداد حروف زائد:

ریشه: باب: تعداد حروف زائد:

ریشه: باب: تعداد حروف زائد:

۵۰۷. صَادَقْتُمَا:

۵۰۸. صَدَّقِي:

۵۰۹. تَتَصَدَّقُونَ:

۵۱۰. عَلِمَ:

۵۱۱. لَا يَعْلَمُونَ:

۵۱۲. وَصَلَ:

۵۱۳. أَوْصَلْتُنَّ:

۴۹۸. قَاتِلُوا:

۴۹۹. اسْتَقْبَلْنَا:

۵۰۰. قَتَلَ:

۵۰۱. قَاتِلُوا:

۵۰۲. جَمَعَ:

۵۰۳. اجْتَمَعْنَا:

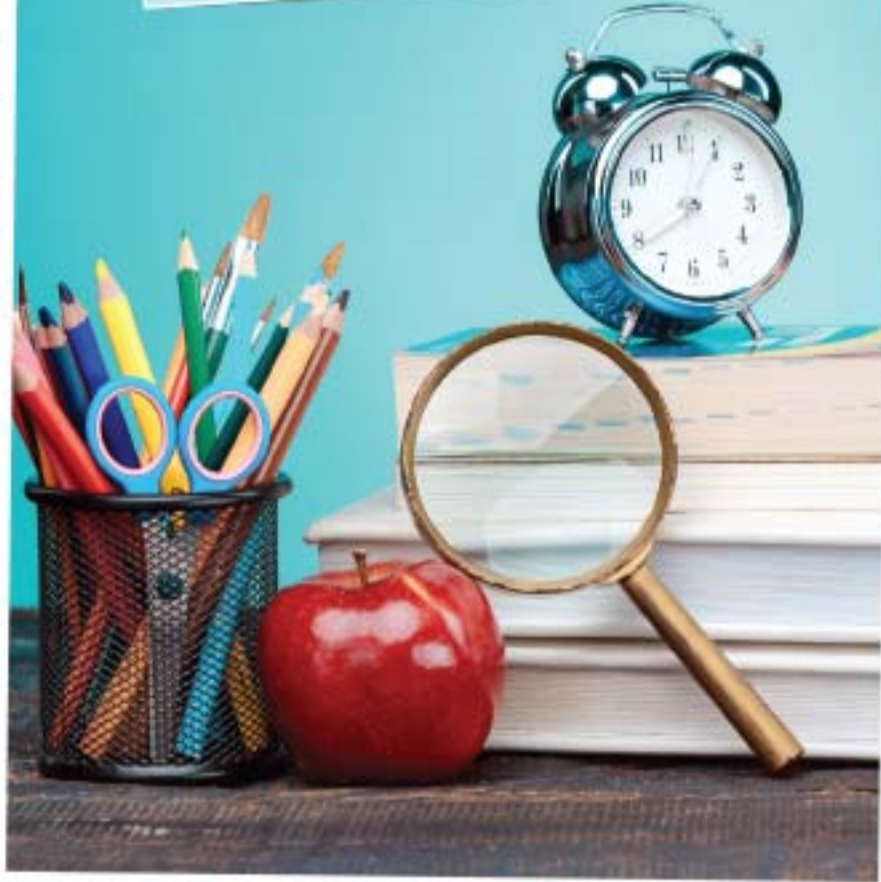
۵۰۴. كَتَبَ:

۵۰۵. كَاتَبْتُ:

۵۰۶. صَدَّقَ:

بخش دوم

آزمون‌ها



سؤالات امتحانی نوبت اول		تألیفی
ردیف	سؤالات	نمره
۱	ترجم المفردات التي تحتها خط: ۱- يتجلى اتحاد الأمة في صور كثيرة. ۲- الشعب الإيراني شعب مضياف.	۰/۵
۲	اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين والكلمتين المتضادتين (كلمتان زائدتان): (خفلة - صار - شعور - مهزجان - نزول - مسرور) ۱- ≠ ۲- =	۰/۵
۳	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين: ۱- تبايع (مفرد): ۲- عميل (جمع):	۰/۵
۴	عین اللفظة الغريبة في المعنى: ۱- سنوياً <input type="checkbox"/> سلمياً <input type="checkbox"/> ۲- الغيم <input type="checkbox"/> المظمر <input type="checkbox"/> شهرتاً <input type="checkbox"/> التلج <input type="checkbox"/> توميأ <input type="checkbox"/> الوجع <input type="checkbox"/>	۰/۵
۵	ترجم العبارات إلى الفارسية: ۱- فيلاحظ الناس غيمة سوداء عظيمة. ۲- لا تجوز الإصرار على نقاط الخلاف وعلى الغدوان. ۳- أمسكت الله عنده تسعة وتسعين جزءاً من الزحمة. ۴- ما أجمل غابات مازندران وطبيعتها جداً.	۳
۶	انتخب الترجمة الصحيحة: ۱- فاستغفروا لذنوبهم و من يغفر الذنوب إلا الله. <input type="checkbox"/> الف) برای گناهانشان آمرزش خواستند و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد. <input type="checkbox"/> ب) برای گناهانتان آمرزش بخواهید و فقط خداوند است که گناهان را می بخشاید. ۲- هل تصدق أن تزي أسماكاً تتساقط من السماء؟ <input type="checkbox"/> الف) آیا باور می کند که ببیند ماهی ها از آسمان پی در پی افتاده اند؟ <input type="checkbox"/> ب) آیا باور می کنی که ببینی ماهی هایی را که پی در پی از آسمان می افتند؟	۰/۵
۷	كمل الفراغات في الترجمة الفارسية: ۱- لقد كانت رسالة الإسلام على مزايا قائمة على أساس المنطق وإجتناب الإساءة. رسالت اسلام در بر اساس منطق و دوري کردن از بدی بوده است. ۲- تيس العلماء من معرفة سیر تلك الظاهرة العجيبة. دانشمندان از راز آن پدیده عجیب ۳- رب اشرك لي صدري و تيسر لي امری. پروردگارا را برایم بگشای و کارم را برایم	۱/۵
۸	ترجم الأفعال التالية: ۱- ما كتبتم تمارينكم: ۲- استغفروا من ذنوبكم: ۳- إننا سوف نكاتب صديقاتنا: ۴- كان يبحث عن حقيته: ۵- انقطع المطر: ۶- لا تجالسوا الأشرار:	۱/۵
۹	ضع في الفراغ كلمة مناسبة: (جالس - يستخدمون - اشتراك - أحسن - لانهبي - تيسر) مصدر فعل الامر فعل المضارع فعل الماضي	۱



تألفي		سؤالات امتحاني نوبت اول		
تاريخ: / /	مدت امتحان: ٨٥ دقيقة	رشته: رياضی - تجربی	درس: عربی (دهم)	

ردیف	سؤالات	نمره								
١٠	أكتب الجواب الصحيح: ١- مضارع من فعل (فَرَحُوا): ٢- ماضى من (نَجَّالِسُ): ٣- مصدر فعل (لَاتَتَفَكَّرِي):	٠/٧٥								
١١	عَيِّن الكلمة التي تختلف نوعه في كل مجموعة: ١- <input type="checkbox"/> تَعَرَّفَ <input type="checkbox"/> تَعَارَفَ ٢- <input type="checkbox"/> اسْتِخْرَاج <input type="checkbox"/> اجْتِهَاد <input type="checkbox"/> قَابِل <input type="checkbox"/> قَابِل <input type="checkbox"/> يَعْتَرِف <input type="checkbox"/> تَحْسِين	٠/٥								
١٢	عَيِّن المناسب للفراغ: ١- نحنُ رسائل غير الإنترنت أُمسي. ٢- سوف التلاميذُ من القاعة بعد الامتحان. <input type="checkbox"/> نَسْتَلِم <input type="checkbox"/> نَسْتَلِم <input type="checkbox"/> يَخْرُج <input type="checkbox"/> يَخْرُج <input type="checkbox"/> اسْتَلَمْنَا <input type="checkbox"/> اسْتَلَمْنَا <input type="checkbox"/> يَخْرُج <input type="checkbox"/> يَخْرُج	٠/٥								
١٣	إنتخب الجواب الصحيح: ١- من أنثما أيها الرجلان؟ شُرطيتان. ٢- أولئك التلاميذُ من المسابقة الآن. ٣- في كلِّ شهرٍ ثلاثون ٤- في الأسبوعِ أيام. <input type="checkbox"/> أنا <input type="checkbox"/> نحنُ <input type="checkbox"/> هُنَّ <input type="checkbox"/> زجعن <input type="checkbox"/> ترجعون <input type="checkbox"/> يرجعون <input type="checkbox"/> سنَّة <input type="checkbox"/> يوماً <input type="checkbox"/> أسبوعاً <input type="checkbox"/> سبعة <input type="checkbox"/> ثلاثة <input type="checkbox"/> أربعة	١								
١٤	أكتب جواب العمليات الحسابية، ثم أكتبها بالرقم: سنة في ثلاثة عشر يساوي	٠/٥								
١٥	أكتب الساعة: ١- الساعة السابعة الأربعة: ٢- ١٠:٠٧: بالرقم:	٠/٥								
١٦	ضع هذه التراكيب في مكانها المناسب (تركيب زائد): (أولئك التلميذات - هذه الأسماك - هم المؤمنون - هاتان الرجاءتان - هذان الدليلان) <table border="1"> <tr> <td>جمع مذکر سالم</td> <td>مثنى مؤنث</td> <td>جمع مكسر</td> <td>جمع مؤنث سالم</td> </tr> <tr> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> </tr> </table>	جمع مذکر سالم	مثنى مؤنث	جمع مكسر	جمع مؤنث سالم					١
جمع مذکر سالم	مثنى مؤنث	جمع مكسر	جمع مؤنث سالم							
١٧	أكتب في الفراغ عدداً مناسباً: ١- اليومُ من أسبوع يوم الخميس. ٢- الفصلُ في السنة فصل الخريف.	٠/٥								
١٨	ضع في الدائرة مناسباً (كلمة زائدة): ١- الغيم <input type="checkbox"/> من الملابس اليسائية ذات الألوان المختلفة. ٢- المشمش <input type="checkbox"/> يدرس فيه الطلاب. ٣- الليل <input type="checkbox"/> بخار متراكم في السماء ينزل منه المطر. ٤- الفستان <input type="checkbox"/> فأكبه تأكلها الناس مجففة أيضاً. ٥- الضف <input type="checkbox"/>	١								
١٩	عين الصحيح وغير الصحيح حسب الواقع (ص/غ): ١- الإعصار ربيع شديدة تنتقل من مكان إلى مكان آخر. <input type="checkbox"/> ٢- الثلج نوع من أنواع نزول الماء من السماء ينزل على الجبال فقط. <input type="checkbox"/>	٠/٥								
٢٠	عين المطلوب منك في الجملة التالية: «على كل الناس أن يتعاشوا مع بعضهم تعاشياً سلمياً» حرف: فعل: تركيب وصفي: تركيب اضافي:	١								





سؤالات امتحانی نوبت اول		تألیفی
ردیف	سؤالات	نمره
۲۱	أجِبْ عَنِ السُّؤَالِ: مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ وَكَيْفَ حَالُكَ؟	۰/۵
۲۲	رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ اكْتُبْ سؤَالَ وَجَوَابًا صَحِيحًا: (عدد - و - سِنَّة - وَالِدَاي - الْمَرَاقِبِينَ - أَخْتَاي - و - غَم - أَخْوَاي - ؟ - .) سؤال:؟ پاسخ:	۰/۷۵
۲۳	سؤالات چهار گزینه‌ای: گزینه درست را با ذکر دلیل بنویسید: «عندما كنا نشاهد السماء وجدنا الشمس مُسْتَعْرَةً فِي قَلْبِهَا.» <input type="checkbox"/> ۱- وقتی آسمان را مشاهده می‌کردیم، در قلب آن خورشید فروزان را پیدا کردیم. <input type="checkbox"/> ۲- در حالی که آسمان را می‌دیدیم، خورشید را در مرکز آن، فروزان یافتیم. <input type="checkbox"/> ۳- خورشید فروزان را در دل آسمان‌ها پیدا کردیم، وقتی به آن نگاه کردیم. <input type="checkbox"/> ۴- زمانی که آسمان را مشاهده می‌کردیم، در دل آن، خورشید را فروزان یافتیم.	۰/۲۵
۲۴	عَيِّنِ الْخَطَأَ: <input type="checkbox"/> ۱- هُوَ لِإِ التَّلَامِيذِ الْمَرَضِي بِحَاجَةِ إِلَى الْمُسَاعَدَةِ: اَيْنَ دَانِشْ أَمُوزَانِ بِيْمَارِنْدِ وَ نِيَا زَمِنْدِ كَمَكِ هَسْتِنْدِ. <input type="checkbox"/> ۲- أَنْعَمُ اللهُ الْبَالِغَةَ مُنْتَشِرَةً فِي كُلِّ الْأَرْضِ: نَعْمَتِ هَايِ كَامِلِ خِدَاوِنْدِ، دَرِ هَمَةُ زَمِينِ پِرَا كِنْدِهْ اِسْتِ. <input type="checkbox"/> ۳- كُنَّا نَسْمَعُ صَوْتَ الْقَطِيرِ مِنْ نَافِذَتِنَا هَذِهِ: صَدَايِ پِرِنْدِگَانِ رَا اَزِ اَيْنِ پَنجِرِهْ مَانِ مِي شَنِيدِيمِ. <input type="checkbox"/> ۴- كُنْتُ أَظُنُّ أَنَّ أُمَّي طَبَخَتْ هَذِهِ الْحَلْوَى: گِمَانِ مِي كَرْدَمِ كِهْ مَادَرَمِ اَيْنِ شِيرِينِي رَا پَخْتِهْ اِسْتِ.	۰/۲۵
۲۵	عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ صِيَاغَةِ الْأَفْعَالِ: <input type="checkbox"/> ۱- أَنْتِ تَرَحَّمُ مَنْ يَعْيشُ فِي الْأَرْضِ. <input type="checkbox"/> ۲- أَنْتِ تَنْظُرُونَ فِي دَرُوسِكُنَّ قَلِيلًا. <input type="checkbox"/> ۳- أَنْتِ تَجْتَهِدُونَ فِي دَرُوسِكُنَّ قَلِيلًا.	۰/۵
۲۶	عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ أَبْوَابِ الْأَفْعَالِ: <input type="checkbox"/> ۱- انصرفت إلى المكتبة حتى أتذکر صدیقی ← انفعال / تفعل <input type="checkbox"/> ۲- أضبخت الأرض مخرصة وحاولت للزرع ← إفعال / ففعال <input type="checkbox"/> ۳- واعتصموا بحبل الله حتى لا تتفرقوا ← إفتعال / تفعل <input type="checkbox"/> ۴- الأمور تنتظم بفضل مدير يحبنا ← إفتعال / تفعيل	۰/۵
۲۰	«أرجو لكم التوفيق» جمع نمره	

پاسخ سوالات درس «۳»

۲۸۵. ۲۵۸. بر می‌انگیزد
۲۸۶. الف ۲۵۹. باور می‌کنی، باور می‌کند
۲۸۷. ب ۲۶۰. فیلم
۲۸۸. ب ۲۶۱. بسیار خوب
۲۸۹. الف ۲۶۲. می‌بارد
۲۹۰. الف ۲۶۳. رُخ می‌دهد
۲۹۱. الف ۲۶۴. ابر
۲۹۲. الف ۲۶۵. گروه
۲۹۳. ب ۲۶۶. آب‌ها
۲۹۴. الف ۲۶۷. گردباد
۲۹۵. ب ۲۶۸. ۲۰۰ کیلومتر
۲۹۶. ب ۲۶۹. تنبلی
۲۹۷. الف ۲۷۰. همراهان
۲۹۸. الف ۲۷۱. آماده‌ها
۲۹۹. الف ۲۷۲. شکوفه‌ها
۳۰۰. الف ۲۷۳. قصص
۳۰۱. ب ۲۷۴. کتاب
۳۰۲. ب ۲۷۵. الأقوام
۳۰۳. الف ۴۰۳. مهرجان = حفلة (جشن)
۳۰۴. الف ۴۰۴. سوداء (سیاه) ≠ بیضاء (سفید)
۳۰۵. الف ۴۰۵. أضحَ = صارَ (شد)
۳۰۶. الف ۴۰۶. الرُّوح = الرِّحمة (مهربانی)
۳۰۷. الف ۴۰۷. نُزول (پایین آمدن) ≠ صعود (بالا رفتن)
۳۰۸. الف ۴۰۸. الغيم = السحاب (ابر)
۳۰۹. الف ۴۰۹. تلميذ = طالب (دانش آموز)
۳۱۰. الف ۴۱۰. أنوار = أضواء (نورها)
۳۱۱. الف ۴۱۱. سبيل = طريق (راه)
۳۱۲. الف ۴۱۲. لها (به نفعش، برایش) ≠ عليها (بر علیه او)
۳۱۳. الف ۴۱۳. حَقَّ (حقیقت) ≠ كَذَبَ (دروغ)
۳۱۴. الف ۴۱۴. اليمين (راست) ≠ اليسار (چپ)
۳۱۵. الف ۴۱۵. اليسار = الشمال (چپ)
۳۱۶. الف ۴۱۶. حقيقة (حقیقی) ≠ خيالي (تخیلی)
۳۱۷. الف ۴۱۷. السنة = العام (سال)
۳۱۸. الف ۴۱۸. جمع کرد
۳۱۹. الف ۴۱۹. تکذیب کرد
۳۲۰. الف ۴۲۰. نزدیک شد
۳۲۱. الف ۴۲۱. آیا دارید؟
۳۲۲. الف ۴۲۲. خیس و نم‌دار
۳۲۳. الف ۴۲۳. در
۳۲۴. الف ۴۲۴. کسی
۳۲۵. الف ۴۲۵. نامه نگاری کردن
۳۲۶. الف ۴۲۶. مطار = فرودگاه (مَطَر = باران / أمطار = باران‌ها / إِمطار = باراندن یا باریدن)
۳۲۷. الف ۴۲۷. الغيم = ابر (المحيط = اقیانوس / المياه = آب‌ها / النهر = رودخانه)
۳۲۸. الف ۴۲۸. طبيعياً = طبیعی (شهرياً = ماهانه / سنوياً = سالانه / يومياً = روزانه)
۳۲۹. الف ۴۲۹. المطيرة = بارانی (الجوازة = گذرنامه / البطاقة = بلیط / المطار = فرودگاه)
۳۳۰. الف ۴۳۰. ومشمش = زردآلو (مَجَلَّة = مجله / مُعْجَم = واژه‌نامه / إِنْترنت = اینترنت)
۳۳۱. الف ۴۳۱. باران ماهی را باور نمی‌کنیم.
۳۳۲. الف ۴۳۲. ممکن است که پدیده‌ای را ببینی (ببیند).
۲۹۱. ب «أَجْرُهُنَّ» = پاداششان / «سَبْعَ» هفت (چیز)
۲۹۲. الف «أَمْسَكَ» نگه داشت
۲۹۳. ب «تَرَاخَمُ» با هم مهربانی می‌کنیم
۲۹۴. ب «طَعَامَ الْوَاحِدِ = غذای یک نفر» / «الطَعَامَ الْوَاحِدِ = یک غذا»
دقت کنید! «ال» چقدر معنای یک کلمه را می‌تواند تغییر دهد.
۲۹۵. ب «على ... ب» پایبند بودن و التزام
۲۹۶. ب ۶۹ تهر
۲۹۷. الف «أربعة و تسعون في مئة = ۹۴ ضربدر ۱۰۰»
۲۹۸. به پا دارید
۲۹۹. یاری نکن (ای زن)
۳۰۰. جست‌وجو نمی‌کنید (ای مردها) الثَّامِن
۳۰۱. پس بخوانید (ای زن‌ها) سبعة عشر
۳۰۲. نتوانستی (ای زن) الثَّانِي عَشْر
۳۰۳. زندگی خواهم کرد تسعة و عشرون
۳۰۴. فرستاده‌ام ثلاثة و ثلاثون
۳۰۵. آورد أربعون (أربعين)
۳۰۶. جاری نمی‌شد الخَمْسُونَ (الخَمسين)
۳۰۷. خالص کردیم تسعة و ستون
۳۰۸. یاد می‌دهی (ای زن) اثنان و سبعون
۳۰۹. یاد نمی‌دهیم سبعة و تسعون
۳۱۰. یاد بده مئة و ثلاثة و عشرون
۳۱۱. یاد ندهید (ای مردها) ۱۶. ۳۳۲
۳۱۲. یاد خواهم داد ۵۷. ۳۳۳
۳۱۳. به ما یاد داد ۱۱. ۳۳۴
۳۱۴. یاد دادیم ۸۸. ۳۳۵
۳۱۵. به ما یاد بده ۴۹. ۳۳۶
۳۱۶. یاد می‌دادند (آن دو زن) ۱۲۲. ۳۳۷
۳۱۷. یاد خواهید داد (ای زنان) ۲۰۱. ۳۳۸
۳۱۸. یاد می‌دادند (آن زنان) ۱۳۹۹. ۳۳۹
۳۴۰. خمسة و ستون زائد ثلاثة و عشرين يساوي ثمانية و ثمانين
۳۴۱. ستة في أربعة عشر يساوي أربعة و ثمانين
۳۴۲. تسعة و تسعون تقسيم على تسعة يساوي أحد عشر
۳۴۳. ثلاثة و ستون ناقص واحدة و أربعين يساوي اثنان و عشرين
۳۴۴. اثنان و عشرون ضرب في سبعة يساوي مئة و أربعة و خمسين
۳۴۵. ثلاثمئة و خمسون تقسيم على سبعة يساوي خمسين
۳۴۶. عشرون في المئة من خمسة و ثلاثين يساوي سبعة
۳۴۷. ثلث من خمسة و سبعين يساوي خمسة و عشرين
۳۴۸. ۸۴ ÷ ۲۱ = ۴ ۳۵۰. ۴ × ۳۷ = ۱۴۸
۳۴۹. ۶۵ + ۲۳ = ۸۸ ۳۵۱. ۹۰ - ۲۲ = ۶۸
۳۵۲. ۳۰٪ از ۱۲۰ برابر است با ۳۶.
۳۵۳. أجرى ← ماضی است بقیه گزینه‌ها مضارع هستند.
۳۵۴. ثانوية ← عدد نیست (به معنای دبیرستان)، بقیه گزینه‌ها عدد هستند.
۳۵۵. الشجرة الثالثة ← عدد و معدود ترتیبی هستند ولی بقیه گزینه‌ها، عدد و معدود اصلی هستند.
۳۵۶. مئتان ← جزء عُقود نیست ولی بقیه، عُقود هستند.
۳۵۷. الواحد ← عدد اصلی است ولی بقیه ترتیبی هستند.



۴۸۵. أنتما / س ح ب / انفعال (انسحاب) / ۲
 ۴۸۶. أنت / ع ل م / تَفَعَّل (تعلّم) / ۲ / ۵۰۰. کُشت (آن مرد)
 ۴۸۷. هُما / ع ج ب / تَفَعَّل (تعجّب) / ۲ / ۵۰۱. بجنگید (ای مردان)
 ۴۸۸. أنتن / ش ر ف / تَفَعَّل (تشرّف) / ۲ / ۵۰۲. جمع کرد
 ۴۸۹. نشست (آن مرد) / ۵۰۳. جمع شدیم
 ۴۹۰. نشاندم / ۵۰۴. نوشت (آن مرد)
 ۴۹۱. هم نشینی کردی (ای زن) / ۵۰۵. نامه نگاری کرد (آن زن)
 ۴۹۲. خارج شد (آن مرد) / ۵۰۶. راست گفت (آن مرد)
 ۴۹۳. خارج کردید (ای مردان) / ۵۰۷. دوستی کردید (شما دو نفر)
 ۴۹۴. دانش آموخته می شویم / ۵۰۸. باور کن (ای مرد)
 ۴۹۵. استخراج خواهی کرد (ای زن) / ۵۰۹. صدقه می دهید (ای مردان)
 ۴۹۶. پذیرفت (آن مرد) / ۵۱۰. دانست (آن مرد)
 ۴۹۷. روی آورد (آن مرد) / ۵۱۱. یاد نمی دهند (آن زنان)
 ۴۹۸. روبه رو شدند (آن مردان) / ۵۱۲. رسید (آن مرد)
 ۴۹۹. استقبال کردند (آن زنان) / ۵۱۳. رساندید (شما زنان)
 ۵۱۴. تُصَدِّقْ ← آیا باور می کنی که مهاجمی را در دروازه ببینیم؟
 (تُصَادِقُ: دوستی می کنی / تُصَدِّقُ: راست می گویی)
 ۵۱۵. يَسْحَبُ ← موج، ماهی ها را به آسمان می کشد.
 (يَنْسَحِبُ: عقب نشینی می کند)
 ۵۱۶. سَيُعَلِّمُ ← دانش آموزان اخلاق معلم هایشان را خواهند شناخت.
 (سَيُعَلِّمُ: یاد خواهند داد)
 ۵۱۷. يَسْتَعْفِرُونَ ← زنان مؤمن از خداوند به خاطر گناهانشان طلب آمرزش می کنند. (تَغْفِرُونَ: می آمرزید (شما زنان))
 ۵۱۸. وَجَدُوا ← دریافتند که همه ماهی ها از یک نوع هستند.
 (أَوْجَدُوا: به وجود آوردند)
 ۵۱۹. تُعَلِّمُ ← فعل است ولی بقیه گزینه ها مصدر هستند.
 ۵۲۰. تُخْرِجُونَ ← فعل مزید است ولی بقیه گزینه ها مجرد هستند.
 ۵۲۱. توکّل ← مصدر است ولی بقیه گزینه ها فعل هستند.
 ۵۲۲. انتشار ← از باب افعال است ولی بقیه گزینه ها از باب انفعال هستند.
 ۵۲۳. اِسْتِمَاعٌ ← از باب افعال است ولی بقیه گزینه ها از باب استفعال هستند.

پاسخ سؤالات درس «۴»

۵۲۴. پس مرا بپرستید / ۵۲۷. ذِکْر / ۵۵۰. الف
 ۵۲۵. گرم و صمیمی / ۵۲۸. قُلُوب / ۵۵۱. ب
 ۵۲۶. آزادی / ۵۲۹. فُقَرَاء / ۵۵۲. الف
 ۵۲۷. ریسمان، طناب / ۵۴۰. عِبَاد / ۵۵۳. الف
 ۵۲۸. جلوه گر می شود / ۵۴۱. عُبَاد / ۵۵۴. ب
 ۵۲۹. یک پنجم / ۵۴۲. جَوَاب / ۵۵۵. الف
 ۵۳۰. مُزْدَوْر / ۵۴۳. أَوْلِيَاء / ۵۵۶. الف
 ۵۳۱. سالن / ۵۴۴. مِيَاه / ۵۵۷. الف
 ۵۳۲. خاطرات / ۵۴۵. رِزْق / ۵۵۸. الف
 ۵۳۳. خالی می شود / ۵۴۶. مَقَابِر / ۵۵۹. الف
 ۵۳۴. دندان ها / ۵۴۷. دَقِيقَةٌ / ۵۶۰. ب
 ۵۳۵. پول ها / ۵۴۸. الف / ۵۶۱. الف
 ۵۳۶. أفعال / ۵۴۹. ب / ۵۶۲. ب

۴۳۳. گمان می کنم که از اتاق خارج شوی (شود).
 ۴۳۴. بسیار خُب، پس به آنجا برو تا یاد بگیری.
 ۴۳۵. مردم، این پدیده را «باران ماهی» می نامند.
 ۴۳۶. این پدیده، مردم را حیرت زده می کرد.
 ۴۳۷. شاید سالانه رخ بدهد.
 ۴۳۸. پس از آن، زمین با ماهی ها پوشیده می شود.
 ۴۳۹. پس مردم آن ها را برای پختن و خوردنشان، می گیرند.
 ۴۴۰. دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده تلاش کردند.
 ۴۴۱. ولی شگفتی در کار، نوع ماهی ها است.
 ۴۴۲. گردباد شدیدی رخ می دهد و ماهی ها را به آسمان می کشد.
 ۴۴۳. وقتی سرعتش را از دست می دهد، روی زمین بی دری می افتند.
 ۴۴۴. مردم سالانه، در این روز در هندوراس، جشن می گیرند.
 ۴۴۵. آیا بلیط های (کارت های) ورود، دارید؟
 ۴۴۶. همراهان ما چهار نفر هستند؛ پدر و مادرم و دو خواهرم.
 ۴۴۷. ب «لَا تِيَأْسُونَ» فعل مضارع منفی است نه نهی)
 ۴۴۸. الف «أَحْسَنُ» در اینجا (تر) می گیرد نه (ترین))
 ۴۴۹. ب «من هم» در گزینه «الف» اضافی و اشتباه است)
 ۴۵۰. الف (با توجه به معنای جمله، «ما» در این جا منفی کننده فعل نیست و معنای «آن چه» می دهد).
 ۴۵۱. ب «كَانَ + يَنْتَظِرُ» ← انتظار می کشید (ماضی استمراری))
 ۴۵۲. الف (در گزینه «ب»، «بیدار خواهند شد» که به صورت مستقبل آمده، غلط است.)
 ۴۵۳. الف (اصطلاح «مَرَحِبًا بِ» با هر ضمیری به معنای خوش آمدگویی است.)
 ۴۵۴. ب «تَعَلَّمُوا = بیاموزید» / «عَلِمُوا = آموش بدهید»
 ۴۵۵. ب «لَا تَنْسَحِبُوا = عقب نشینی نکنید»
 ۴۵۶. الف (کلمه «این» در گزینه «ب» اضافی و اشتباه است.)
 ۴۵۷. لطفاً / دستانتان
 ۴۵۸. رودخانه / دریا / مختلفی دارند / ۴۵۹. صبر کن / رها کن
 ۴۶۰. گناهانشان / کردند / گناهان را می آموزند
 ۴۶۱. نامه هایی / دریافت کردیم
 ۴۶۲. باور نکن
 ۴۶۳. بی دری سقوط نمی کرد
 ۴۶۴. گمان نکرد
 ۴۶۵. ممکن نیست
 ۴۶۶. پس نگاه کنید (ای زنان)
 ۴۶۷. تا باور نکنیم
 ۴۶۸. مشاهده خواهند کرد
 ۴۷۶. از دست نمی دهند، از دست نمی دهید (شما دو نفر)
 ۴۷۷. ثلاثي مجرد: يَبْعُدُ، أَنْظَرِي، يَكُونَانِ، نَبْطَطُ
 ۴۷۸. ثلاثي مزید: تَعَرَّفْنَا، يَخْتَفِلُونَ، حَاوَلْنَا، يُخَدِّثُ
 ۴۷۹. نحنُ / رح م / تَفَاعَل (تَرَاخَم) / ۲ / ۴۸۰. أنا / ص د ق / تَفَعَّل (تَصَدَّق) / ۲
 ۴۸۱. أنتِ / ح ف ل / اِفْتَعَلَ (اِحْتِفَال) / ۲
 ۴۸۲. أنتن / س م ع / اِفْتَعَلَ (اِسْتِمَاع) / ۲
 ۴۸۳. أنا / ك ب ر / اِسْتَفَعَلَ (اِسْتِكْبَار) / ۳
 ۴۸۴. هُنَّ / ب س م / اِفْتَعَلَ (اِبْتِسَام) / ۲



نوبت اول

پاسخ آزمون شماره ۱

۱. تصویرها ۲ مهمان نواز
۲. صعود (بالا رفتن) نزول (پایین آمدن) ۳ حَفَلَة (جشن) = مِهْرَجَان (جشن)
۳. ۱ ینبوع (چشمه) ۲ عَمَلَاء (مزدورها)
۴. ۱ سَنَوِيًّا (سالانه) / يَسْلَمِيًّا (مسالمت آمیز) / شَهْرِيًّا (ماهانه) / يَوْمِيًّا (روزانه) ۲ الغيم (ابر) / المَطَر (باران) / الثلج (برف) / الوَجَع (درد)
۵. ۱ پس مردم، ابر سیاه بزرگ رای ملاحظه می کنند. ۲ پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نیست. ۳ خداوند ۹۹ جزء از رحمت را نزد خودش نگه داشت. ۴ جنگل های مازندران و طبیعتش واقعاً چقدر زیبا هستند.
۶. الف ۲ ب
۷. ۱ گذر زمان ها - استوار ۲ شناخت - نا امید شدند ۳ سینه ام - آسان کن
۸. ۱ ننوشتید ۲ آمرزش بخواهید ۳ نامه نگاری خواهیم کرد ۴ جست و جو می کرد ۵ قطع شد ۶ هم نشینی نکنید (با)
۹. فعل امر: أَحْسِن - فعل مضارع: يَسْتَخْدِمُونَ - فعل ماضی: جَالَسَ - مصدر: اشتراك
۱۰. ۱ يُفَرِّحُونَ ۲ جَالَسْنَا ۳ تَفَكَّرَ
۱۱. ۱ همه کلمات، فعل ماضی هستند به جز (يَعْتَرِفُ) ۲ همه کلمات، مصدر هستند؛ به جز (أَقْبَلَ).
۱۲. ۱ اسْتَلَمْنَا ۲ يَخْرُجُ
۱۳. ۱ نَحْنُ ۲ يَرْجِعُونَ ۳ يَوْمًا ۴ سَبْعَةَ
۱۴. ثمانیة و سبعون = ۷۸ = ۱۳ × ۶
۱۵. ۱ ۶:۴۵ ۲ العاشرة و سبع دقائق
- ۱۶.

جمع مذکر سالم	مثنای مؤنث	جمع مکسر	جمع مؤنث سالم
هُمُ الْمُؤْمِنُونَ	هَاتَانِ الرَّجَايَاتَانِ	هَذِهِ الْأَسْمَاكُ	أُولَئِكَ التَّلْمِيذَاتُ

۱۷. ۱ السَّادِسُ ۲ الثَّلَاثُ
۱۸. ۱ الغيم (ابر) = بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. (بخار متراکمی در آسمان است که از آن باران می بارد.) ۲ المِشْمِشُ (زردآلو) = فَكِيهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضاً. (میوه ای که مردم، خشک شده آن را هم می خورند.) ۳ الفُسْتَانُ (پیراهن زنانه) = مِنَ الْمَلَابِسِ الْبِئْسَانِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. (از لباس های زنانه که دارای رنگ های گوناگونی است.) ۴ الصَّف (کلاس) = يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ. (دانش آموزان در آن درس می خوانند.)
۱۹. ۱ صحيح ۲ غلط
۲۰. حرف: عَلَى / ال / أَنْ فعل: أَنْ يَتَعَايَشُوا
ترکیب وصفی: تَعَايَشُوا يَسْلَمِيًّا ترکیب اضافی: كَلِّ النَّاسِ / مَعَ بَعْضِهِمْ
۲۱. مِنْ شِيرَازٍ وَأَنَا بِخَيْرٍ.
۲۲. سؤال: كَمَ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟ (تعداد همراهان چند نفر است؟)
جواب: بِيَسْتَهْ، وَالِدَايَ وَأَخْوَايَ وَأَخْتَايَ. (۶ نفر، پدر و مادرم و ۲ برادرم و ۲ خواهرم.)
۲۳. گزینه ۴ - (كُنَّا نَشَاهِدُ = مشاهده می کردیم)، (وَجَدْنَا الشَّمْسَ مُسْتَعْرَةً = خورشید را فروزان یافتیم)، (عِنْدَمَا = هنگامی که، زمانی که، وقتی که)
۲۴. گزینه ۱ - (التَّلَامِيذُ الْمَرْضَى = دانش آموزان بیمار) یک ترکیب وصفی است.

۱۳۰۵. أَنْتِ / قَدْتَفَعَلِينَ / قَدْتَصْنَعِينَ / گاهی ساخته می شوی، شاید ساخته بشوی
۱۳۰۶. أَنَا / فَعَلْتُ / جُهِّزْتُ / آماده شدم
۱۳۰۷. فاعل / مضاف الیه / مجرور بحرف جر / مضاف الیه
۱۳۰۸. مبتدا / مضاف الیه / مجرور بحرف جر / خبر
۱۳۰۹. مفعول / مجرور به حرف جر / مضاف الیه
۱۳۱۰. مبتدا / مضاف الیه / خبر / جار و مجرور / صفت
۱۳۱۱. مبتدا / مضاف الیه / خبر / مضاف الیه / مجرور به حرف جر
۱۳۱۲. مبتدا / خبر / مبتدا / خبر / مبتدا / خبر
۱۳۱۳. مبتدا / خبر / مبتدا / خبر
۱۳۱۴. مبتدا / مضاف الیه / خبر / مفعول / مجرور به حرف جر / فاعل / مضاف الیه
۱۳۱۵. اسم الفاعل = الشعراء (الشاعر) / اسم المفعول = ممزوجة، مُلَمَّع
۱۳۱۶. اسم المفعول = مُجَرَّب
۱۳۱۷. اسم الفاعل = حَامِل
۱۳۱۸. اسم الفاعل = عُدَاة (عادی)
۱۳۱۹. اسم المبالغة = غَفَّار / اسم المفعول = مَفْتُوح / اسم الفاعل = طَالِبِينَ
۱۳۲۰. اسم الفاعل = رَازِق / اسم المبالغة = رَزَاق / اسم المفعول = مَرزُوق
۱۳۲۱. اسم المبالغة = عَلَام
۱۳۲۲. اسم المبالغة = أَمَارَة
۱۳۲۳. اسم الفاعل = زَائِرَة / اسم المبالغة = جَوَال
۱۳۲۴. اسم الفاعل = مُفَقِّش، مُسَافِرِينَ
۱۳۲۵. چون فعل مجرد است ← جاهل / نادان
۱۳۲۶. چون فعل مزید است ← مُجَهِّز / آماده کننده
۱۳۲۷. چون فعل مزید است ← مُقْنِع / قانع کننده
۱۳۲۸. چون فعل مجرد است ← مَشْهُود / دیده شده
۱۳۲۹. چون فعل مزید است ← مُشَاهَد / مشاهده شده
۱۳۳۰. چون فعل مزید است ← مُخْتَرَم / احترام شده
۱۳۳۱. عَلَام، عَلَامَة / بسیار دانا
۱۳۳۲. فَهَام، فَهَامَة / بسیار فهیم
۱۳۳۳. صَبَّار، صَبَّارَة / بسیار شکيبا
۱۳۳۴. چون فعل مزید است ← مُشْرِك / شرک ورزنده
۱۳۳۵. چون فعل مزید است ← مُرَاد / خواسته شده
۱۳۳۶. وَهَاب، وَهَابَة / بسیار بخشنده
۱۳۳۷. سؤال: أتریدین بطاقة الشحن؟ جواب: نَعَمْ، بِالتَّأَكِيد.
۱۳۳۸. سؤال: كَمَ صَارَ الْمِبْلَغُ؟ جواب: خَمْسَةٌ وَعَشْرُونَ.
۱۳۳۹. سؤال: كَيْفَ تَقْدِرُ أَنْ تُبَدِّلَ الْبِطَاقَةَ؟ جواب: أُبَدِّلُهَا بِسَهُولَةٍ.
۱۳۴۰. شاهد ← یک فعل امر است چون مجزوم شده ولی بقیه گزینه ها اسم فاعل هستند.
۱۳۴۱. شاهد ← یک اسم فاعل مجرد است ولی بقیه گزینه ها اسم فاعل مزید هستند.
۱۳۴۲. مُقَدَّس ← اسم مفعول است ولی بقیه گزینه ها اسم فاعل هستند.
۱۳۴۳. سَتَّار ← بر وزن (فَعَال) و اسم مبالغه است ولی بقیه گزینه ها بر وزن (فُعَال) و جمع مکسر هستند.
۱۳۴۴. فَهَامَة ← اسم مبالغه به معنای صفت است ولی بقیه گزینه ها اسم مبالغه به معنای ابزار هستند.



السَّمْسِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ. (زمان پیوسته از غروب خورشید تا طلوع صبحگاه.)
 ۲ الضُّدَاع (سردرد) = وَجَعٌ فِي الرَّأْسِ تَخْتَلِفُ أَنْوَاعُهُ وَأَسْبَابُهُ. (دردی در سر که انواع و دلایلش گوناگون است.) ۳ الفُرْشَاةُ (مسواک) = أَدَاةٌ لِتَنْظِيفِ الْأَسْنَانِ. (وسیله‌ای برای نظافت دندان‌ها.)

۲۰. ۱ غلط ۲ غلط

۲۱. ضمیر: بها فعل: تَعَيْشٌ ترکیب وصفی: أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ جمع مکسر: أَنْوَاعٌ
 ۲۲. سؤال: كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟ (تعداد همراهان چند نفر است؟)
 جواب: سِتَّةٌ، وَالِدَايَ وَأَخْوَايَ وَأَخْتَايَ. (۶ نفر، پدر و مادرم و ۲ برادرم و ۲ خواهرم.)

پاسخ آزمون شماره ۳ نوبت دوم

۱. سرگردان هستند ۲ ترشح می‌کند
 ۲. دَفَعَ (پرداخت کرد) = اسْتَلَمَ (دریافت کرد) ۳ إِنْزَاةٌ (روشن کردن) = اِشْتِعَالَ (روشن کردن)
 ۳. ۱ رَجُلٍ (پا) سِنَّ (دندان) ذَنْبٌ (دُم) مَلْفٌ (پرونده) ۲ مُضِيءٌ (نورانی) مَضِيٌّ (گذشت) ضِيَاءٌ (روشنایی) ضَوْءٌ (نور)
 ۴. ۱ عُدَاةٌ (دشمنان) ۲ المَدِينَةُ (شهر)
 ۵. ۱ این متن چقدر زیباست: اگر استخوان پوسیده‌ام را ببویی، رایحهٔ عشق را می‌یابی. ۲ تو را به خواندن کتابی پیرامون راه‌های تقویت حافظه توصیه می‌کنم، زیرا بسیار فراموشکار هستی. ۳ هدیه‌هایی که مردم آوردند پذیرفته نشد و آن‌ها را نپذیرفت. ۴ جُغَدِ این نقص را با حرکت دادن سرش در هر جهتی، جبران می‌کند. ۵ آیا می‌دانی که چین، اولین کشوری است که پول‌های کاغذی به کار برد.

۶. ۱ الف ۲ ب

۷. ۱ خواننده شد / گوش فراد دهید ۲ بانمکی را / توصیف کردم
 ۸. ۱ می‌بارید ۲ پراکنده نمی‌شوند ۳ ما را اصلاح نکردند ۴ نازل نشد
 ۵ جمع شوید ۶ من را بازرسی نکن
 ۹. ۱ فاعل / مفعول ۲ صفت / جار و مجرور ۳ خبر / مضاف الیه
 ۱۰. ۱ تَفْعِيلٌ ۲ تَفَعُّلٌ ۳ باب افعال: ۱ حرف زائد ۴ مُتَّظَاهِرٌ

۱۱. ۱ ج ۲ ج

۱۲. ۱ اسم الفاعل = الحَادَّةُ (بُرْنده)
 اسم المفعول = مَحَاصِيلُ: مَحْصُولٌ (به دست آمده‌ها)
 اسم المبالغه = السِّيَّارَةُ (ماشین)

۱۳. نون الوقایة: (ن) در سَامِحِيَنِ الفعل المَجْهُولُ: تُوضَعُ خبر: يَقُولُ الجَارُ والمَجْرُورُ: لِأُخْتٍ / فِي الجَوَالِ
 ۱۴. ۱ غلط ۲ غلط

۱۵. ۱ سِتَّةٌ و ثلاثينَ (۵۰ درصد از ۲۰ به علاوه ۲۶ مساوی است با ۳۶).
 ۲ سِتَّةٌ و سبعينَ (۱۹ ضربدر ۴ مساوی است با ۷۶).

۱۶. ۱ الشُّكْرُ (شکر کردن) = عَلَيَّ الإنسانِ أَنْ يَفْعَلَ هَذَا العَمَلِ فِي المَصَانِبِ. (انسان باید در سختی‌ها (هم) این کار را انجام دهد.) ۲ الدُّلْفِينِ (دلفین) = مِنَ الحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ. (از حیوانات پستاندار) ۳ الفَلَاةُ (بیابان) = فِيهَا لا تَعْيِشُ نَبَاتَاتٌ كَثِيرَةٌ. (در آن، گیاهان زیادی زندگی نمی‌کنند.) ۴ المُفْسِدَانِ (فاسدکارها) = هَذِهِ الصِّفَةُ لِتَأْجُوجٍ وَمَأْجُوجٍ. (این، یک ویژگی برای قوم یا جوج و ماجوج است.)

۲۵. گزینه ۴ - در گزینه ۱ (أَنْتِ تَرَحِّمِينَ)، در گزینه ۲ (نَحْنُ لَأَنْتَظِرُ) و در گزینه ۳ (أَنْتِ تَجْتَهِدِينَ) صحیح هستند.

۲۶. گزینه ۴ - فعل «يُحِبُّ» که در اصل «يُحِبُّ» بوده است، از باب «إفعال» است.

پاسخ آزمون شماره ۲ نوبت اول

۱. ۱ می‌کشد ۲ درنگ کرد، زندگی کرد
 ۲. ۱ أَنْزَلَ (پایین فرستاد) = رَفَعَ (بالا برد) ۲ رَقَدَ (خوابید) = نَامَ (خوابید)
 ۳. ۱ دُرٌّ (مروارید، گوهر) ۲ أَفْلَامٌ (فیلم‌ها)
 ۴. ۱ عَيْنٌ (چشمه) يَنْبُوعٌ (چشمه) شَاطِئِي (ساحل) مُحِيطٌ (اقیانوس) ۲ العَشْرُونَ (بیستم) أُولَى (یکم) الواجِدِ (یک) الأُولِ (یکم)
 ۵. ۱ هر گروهی، به خاطر آن چه که دارند، خوشحال هستند. ۲ بفرما، چمدان من برای بازرسی باز است. ۳ باور نمی‌کنیم که ماهی‌هایی را ببینیم که بی‌دری از آسمان می‌افتند. ۴ هفت چیز است که پادشاه آن‌ها برای بنده جاری می‌شود، و او در قبرش است. (در حالی که او در قبرش است.)
 ۶. ۱ ب ۲ ب
 ۷. ۱ ملت‌های زیاد - زبان‌ها ۲ شما را یاد کنم - شکرگزاری کنید
 ۳ پارهٔ آتش - به وجود آورد
 ۸. ۱ ما آماده هستیم ۲ صبر در هنگام خشم ۳ قلم تو چه زیباست
 ۴ دارای شاخه‌های تروتازه
 ۹. ۱ طلب‌آموزش نکردید (شما مردان) ۲ خارج‌نکن (ای زن) ۳ یادخواهم داد ۴ برانگیخته بود ۵ چنگ بزنید (ای زنان) ۶ تأکید نکنید (شما دو نفر)
 ۱۰.

فعل	نوع فعل	باب فعل
لَا تَتَنَازَفُونَ	مضارع منفي	تَفَاعُلٌ
لَا تُشْرِكِي	نهي	إفْعَالٌ
قَدْ انْتَبَهْنَا	ماضي (نقلی)	إفْتِعَالٌ

۱۱. ۱ تَعْتَذِرِينَ ۲ تَكَلَّمٌ

۱۲. ۱ همهٔ کلمات، فعل ماضی هستند، به جز (تَقْبِلُ) که مضارع است.
 ۲ همهٔ کلمات، مصدر هستند، به جز (تَخْرُجُ) که فعل ماضی از باب «تَفَعُّل» است.

۱۳. ۱ نَسْتَلِمُ ۲ يَتَخَرَّجُ

۱۴. ۱ نَحْنُ ۲ يَرْجِعَنَّ ۳ شَهْرًا ۴ إِنْنا عَشْرٌ

۱۵. ۱ (۹ + ۱۷ = ۲۸) سِتَّةٌ و عَشْرِينَ ۲ (۵ × ۱۷ = ۸۵) خَمْسَةٌ و ثَمَانِينَ

۱۶. ۱ ۱:۱۲ ۲ العاشرة الأربعا

۱۷.

جمع مذکر سالم	مثنای مؤنث	جمع مکسر	مفرد مؤنث
أولئك المُرافِقِينَ	هاتين الشجرتين	هؤلاء المَجَانِينِ	هذه العَيْنِ

۱۸. ۱ السابع ۲ الأول

۱۹. ۱ الغِيمِ (ابر) = بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ المَطَرُ. (بخار متراکمی در آسمان است که از آن، باران می‌بارد.) ۲ اللَّيْلِ (شب) = الوَقْتُ المُمتدُّ مِنْ مَغْرِبِ